



بهروز افخمی: ماجرای کشتی «ایران اجر»

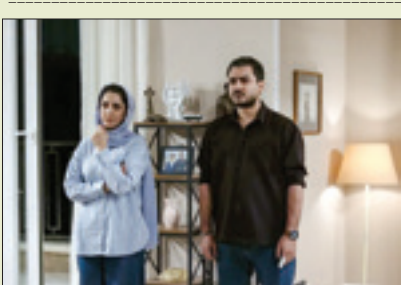
سوژه یک فیلم سیاسی است

کارگردان سینما با اشاره به یکی از مقاطع حساس تاریخ انقلاب اسلامی، از علاقه خود برای ساخت فیلمی سیاسی درباره ماجرای حمله امریکا به کشتنی ایرانی «ایران اجر» در آستانه سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل خبر داد. کارگردان سینما با حضور در شبکه تهران اظهار داشت: موضوع کشتی ایران اجر یکی از سوژه‌هایی است که به‌دلیل ابعاد سیاسی و تاریخی، ظرفیت زیادی برای تبدیل شدن به یک فیلم را دارد. در اواخر سال ۱۳۶۶ یا اوایل سال ۱۳۶۷، شرایطی وجود داشت که قطعه‌نامه ۵۹۸ صادر شده بود، اما جمهوری اسلامی ایران هنوز درباره پذیرش آن تصمیم نهایی نگرفته بود و فشارهای بین‌المللی زیادی برای پذیرش صلح به ایران وارد می‌شد.

این کارگردان سینما ادامه داد: در آن زمان، امریکایی‌ها و برخی جریان‌های بین‌المللی تلاش می‌کردند فضایی ایجاد کنند که ایران تحت فشار قرار گیرد، به‌گونه‌ای که اگر رئیس‌جمهور وقت ایران در مجمع عمومی سازمان ملل سخنرانی می‌کند، یا مجبور شود اعلام کند که قطعه‌نامه را نمی‌پذیرد یا در شرایط فشار پذیرش آن را اعلام کند. وی خاطر نشان کرد: همزمان با ورود آیت‌الله خامنه‌ای به نیویورک، در شرایطی که امکانات ارتباطی مانند امروز وجود نداشت و احتمال قطع ارتباط با تهران و امام خمینی(ره) وجود داشت، امریکا کشتنی ایرانی «ایران اجر» را در خلیج فارس هدف قرار داد و غرق کرد.

افخمی با بیان اینکه این اقدام امریکا با هدف تأثیر گذاری بر سخنرانی رئیس‌جمهور وقت ایران انجام شد، گفت: هدف آنها این بود؛ تصویری که قرار بود از ایران به‌عنوان کشوری مظلوم و قربانی جنگ در افکار عمومی جهان ایجاد شود، تغییر نکند و ایران را به‌عنوان طرفی جنگ‌طلب معرفی کنند.

این کارگردان سینما با اشاره به حساسیت آن مقطع تاریخی تصریح کرد: اتفاقی که در آن هشت ساعت، پس از حمله امریکا به کشتی ایران اجر، برای آیت‌الله خامنه‌ای و همچنین علی اکبر لاریانی، وزیر امور خارجه وقت که ایشان را در سفر نیویورک همراهی می‌کرد، رخ داد، به‌منظر من ظرفیت یک فیلم سیاسی جذاب و پرکشش را دارد



برد «قمار باز» در مقدونیه

فیلم سینمایی «قمارباز» جایزه ویژه جشنواره سینمایی مقدونیه-شبه شمالی را دریافت کرد. فیلم سینمایی «قمارباز» به کارگردانی محسن بهاری، در اولین حضور جشنواره‌ای خود توانست جایزه ویژه هیئت داوران پنجمین جشنواره بین‌المللی «آنسوی دریاچه» در مقدونیه شمالی را دریافت کند.

جشنواره بین‌المللی فیلم «آن سوی دریاچه» که دوره پنجم خود را برگزار کرد، با تمرکز بر سینمای کشورها ی حوزه بالکان و مدیترانه، هر سال میزبان آثار منتخب سینمای جهان در مقدونیه شمالی است.

علاوه بر مقدونیه، «قمارباز» به عنوان تنها نماینده رسمی سینمای ایران در بخش مسابقه، راهی جشنواره فیلم سازمان همکاری شانگهای شده است و طی سه روز آینده در بیشکک قرقیزستان به نمایش در می آید.

فیلم اجتماعی – معمایی «قمارباز» از محصولات بنیاد سینمایی فارابی که به تهیه‌کنندگی سجاد نصراللهی ساخته شده است، در جشنواره فیلم فجر نیز توانست سیمرغ بهترین کارگردانی اول را در کنار نامزدی برای پنج جایزه سیمرغ بلورین به دست بیاورد.

مسئولیت عرضه بین‌المللی «قمارباز» بر عهده معاونت بین‌المللی بنیاد سینمایی فارابی است.

گروش تهامی، آرمین رحیمیان، شبنم قربانی، امیر نوروزی، روشان رستم‌پور و عماد امامی بازیگران این فیلم هستند و در خلاصه داستان آن آمده است: یکی از بانک‌های کشور مورد حمله سایبری قرار می‌گیرد، اتفاقی که یک مأمور خبره را به یکی از برنامه‌نویسان بانک مظنون می‌کند. تکاپو برای یافتن حقیقت و برقراری امنیت ملی از اینجا آغاز می‌شود.



پیش‌بینی حذف شرور جهان روی دیوارنگاره میدان ولیعصر (عج)

پس از مرگ لیندسی گراهام، از جد بدترین دیوارنگاره میدان ولیعصر(عج) رونمایی شد. جدیدترین دیوارنگاره میدان ولیعصر(عج)، پس از مرگ لیندسی گراهام، سناتور ضدایرانی و جنگ طلب امریکایی، سحرگاه روز پنج‌شنبه ۲۵ تیر تغییر کرد و به پیش‌بینی حذف اشرار از جهان پرداخت.

روی این دیوارنگاره، جمله انگلیسی (Who is Dnext?) حک شده که اشاره‌ای غیرمستقیم به مرگ دونالد ترامپ در آینده‌ی نزدیک دارد.



روز نامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیر مسئول: محمدجواد اخوان
سر دبیر: غلامرضا صادقیان
آدرس: تهران، خیابان بهیقی
کوچه شهیداکبر زجاجی (چهاردهم غربی)، پلاک ۱۲
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۵۴۵۴۸۸
روابط عمومی: ۰۶۰-۸۸۵۲۳۰-فکس: ۸۸۴۹۸۴۶۶
توزیع: مؤسسه نشرگستر امروز نوین ۰۹۴۲-۸۸۷۳۰
چاپ: همشهری
Public@JavanOnline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۲۶۸۸ | شنبه ۲۷ تیر ۱۴۰۵ | ۳ صفر ۱۴۴۸ | اناض ظهر ۱۲:۱۱ | غروب آفتاب ۱۹:۱۹ | اذن مغرب ۱۹:۴۰ | شنبه شب شرعی ۲۳:۱۹ | اذن صبح فردا ۰۳:۲۱ | طلوع آفتاب فردا ۰۵:۰۲ |

نقد فیلمی که سوژه‌ای حساس در دهه ۶۰ را به سینما آورده است

«لباس شخصی» درخشان در سوژه، کند در روایت

■ **احمد محمدتبریزی**

هفت سال توقیف یا تعویق ارکان، برای هر فیلمی می‌تواند به یک شمشیر دولبه تبدیل شود. از یک سو کنجکاوی مخاطب را افزایش می‌دهد و از سوی دیگر انتظارات را تا حدی بالا می‌برد که برآورده‌گردنش آسان نیست. «لباس شخصی» نخستین ساخته بلندامیرحسین ربیعی، حالا پس از سال‌ها انتظار روی پرده آمده است. فیلمی که پیش از آنکه یک تریلر سیاسی صرف باشد، تلاشی است برای خوانشی مجدد از یکی از حساس‌ترین مقاطع تاریخ معاصر ایران. تلاشی که در انتخاب سوژه جسورانه و قابل تحسین است، اما در تبدیل تاریخ به درام، به همان اندازه موفق عمل نمی‌کند.

■ ■ ■

دهه ۱۳۶۰ یکی از مهم‌ترین، پرحادثه‌ترین و پیچیده‌ترین دهه‌های تاریخ معاصر ایران است. دهه‌ای که جنگ، ترور، درگیری‌های سیاسی، رقابت‌های ایدئولوژیک، نفوذ جریان‌های مختلف و تحولات امنیتی، هر کدام به تنهایی ظرفیت خلق دهها فیلم سینمایی را دارند. با این حال، سینمای ایران کمتر به این دوره نزدیک شده و انگار بخشی از تاریخ معاصر همچنان در انتظار روایت شدن مانده است.

سینما یکی از مهم‌ترین ابزارهای روایت تاریخ است و باید با کندوکاو در میان صفحات تاریخ به دنبال سوژه‌های ناگفته و جذاب گشت. بخش بزرگی از شناخت مردم جهان از رویدادهای سیاسی، کودتاها، انقلاب‌ها یا پرورنده‌های امنیتی از دل فیلم‌های سینمایی شکل می‌گیرد. اگر این روایت‌ها دقیق، خوش‌ساخت و جذاب باشند، هم حافظه تاریخی جامعه را غنی‌تر می‌کنند و هم می‌توانند فراتر از مرزهای یک کشور دیده شوند.

■ **جذابیت‌های سینمای سیاسی**
برخلاف تصور رایج، فیلم سیاسی الزاماً فیلمی مخصوص گروهی خاص از مخاطبان نیست. ماجرای نفوذ در نیروی دریایی و پرورنده مشهور فرمانده این نیرو و از جمله مهم‌ترین رخدادهای آن سال هاست. خدادی که ظرفیت فراوانی برای خلق یک ترلر جاسوسی و سیاسی زمانه ربیعی نیز هوشمندانه همین نقطه را برای روایت انتخاب کرده است.
خوشبختانه فیلم تلاش می‌کند از تبدیل شدن به یک بیانییه صرف ایدئولوژیک فاصله بگیرد. «لباس شخصی» پیش از آنکه بخواهد قضاوت کند، سازوکار نفوذ، پیچیدگی شبکه‌های اطلاعاتی و فضای پراهمان آن دوران را به تصویر می‌کشد. همین رویکرد باعث شده فیلم، دست‌کم در لایه نخست، برای مخاطبی که صرفاً دنبال یک داستان سینمایی است نیز قابل دنبال کردن باشد.

اما داشتن یک سوژه مهم، الزاماً به معنای ساختن یک فیلم مهم نیست. تاریخ خام، هر چقدر هم پرحادثه باشد، بدون دراماتیزه شدن، روی پرده سینما جان نمی‌گیرد. ■ **ریتم ناکوک فیلم**

«لباس شخصی» در انتقال اطلاعات موفق‌تر از خلق احساس است. فیلم گاهی بیش از آنکه مخاطب را در گیر موقعیت‌ها کند، فقط او را از وقوع اتفاقات آگاه می‌کند. بسیاری از لغظاتی

یکی از مهم‌ترین امتیازهای «لباس شخصی»، انتخاب سوژه است. پرورنده نفوذ حزب توده در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰، یکی از مهم‌ترین و در عین حال کمتر روایت شده‌ترین بخش‌های تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود

■ **برگ برنده‌ای به نام انتخاب سوژه**

یکی از مهم‌ترین امتیازهای «لباس شخصی»، انتخاب سوژه است. پرورنده نفوذ حزب توده در سال‌های ابتدایی دهه ۶۰، یکی از مهم‌ترین و در عین حال کمتر روایت شده‌ترین بخش‌های تاریخ معاصر ایران به‌شمار می‌رود. پرورنده‌ای که ابعاد نظامی، امنیتی و سیاسی گسترده‌ای داشت و تا سطوح بالایی ارتش و ساختارهای تصمیم‌گیری نفوذ کرده بود.

ماجرای نفوذ در نیروی دریایی و پرورنده مشهور فرمانده این نیرو و از جمله مهم‌ترین رخدادهای آن سال هاست. خدادی که ظرفیت فراوانی برای خلق یک ترلر جاسوسی و سیاسی زمانه ربیعی نیز هوشمندانه همین نقطه را برای روایت انتخاب کرده است.

خوشبختانه فیلم تلاش می‌کند از تبدیل شدن به یک بیانییه صرف ایدئولوژیک فاصله بگیرد. «لباس شخصی» پیش از آنکه بخواهد قضاوت کند، سازوکار نفوذ، پیچیدگی شبکه‌های اطلاعاتی و فضای پراهمان آن دوران را به تصویر می‌کشد. همین رویکرد باعث شده فیلم، دست‌کم در لایه نخست، برای مخاطبی که صرفاً دنبال یک داستان سینمایی است نیز قابل دنبال کردن باشد.

اما داشتن یک سوژه مهم، الزاماً به معنای ساختن یک فیلم مهم نیست. تاریخ خام، هر چقدر هم پرحادثه باشد، بدون دراماتیزه شدن، روی پرده سینما جان نمی‌گیرد.

■ **ریتم ناکوک فیلم**
«لباس شخصی» در انتقال اطلاعات موفق‌تر از خلق احساس است. فیلم گاهی بیش از آنکه مخاطب را در گیر موقعیت‌ها کند، فقط او را از وقوع اتفاقات آگاه می‌کند. بسیاری از لغظاتی

پیامبر اعظم صل الله علیه واله وسلم:

هر که با ستمگری همراهی کند مجرم است. خداوند می فرماید: «ما از مجرمان

انتقام می گیریم.»
کنز العمال، ج ۱۲۹۵

پیامبر اعظم صل الله علیه واله وسلم:

هر که با ستمگری همراهی کند مجرم است. خداوند می فرماید: «ما از مجرمان

انتقام می گیریم.»
کنز العمال، ج ۱۲۹۵



مسعود ده نمکی:

جامعیت علمی، تندخوانی و نقد هنرمندانه از ویژگی‌های رهبر شهید بود

از مخالفان خارج‌نشین انقلاب اشاره کردند که آن را نیز مطالعه کرده بودند.

به گفته ده‌نمکی، رهبر شهید در آن دیدار با مقایسه روایت فیلم «خراجی‌ها» و محتوای آن رمان تأکید کرده بودند شخصیت‌هایی که در فیلم به تصویر کشیده شده‌اند، افرادی هستند که دچار تحول شده‌اند و نباید تصویری نادرست از نقش چنین افرادی در دفاع مقدس ارائه شود. همچنین توصیه کرده بودند در ساخت ادامه این مجموعه، پاسخ چنین روایت‌هایی داده شود و از شکل‌گیری برداشت‌های نادرست جلوگیری شود.

دهنمکی در بخش دیگری از سخنان خود به هدی‌های که از رهبر شهید دریافت کرده بود اشاره کرد و گفت: این هدی‌ها انگشت شخصی ایشان بود که پس از بخش سریال «دادستان» و در اوج فضای انتقادی علیه این اثر، از سوی شهید مصباح‌الهدی باقری، داماد رهبر شهید به او اهدا شد. وی توضیح داد: پس از برگزاری نشست درباره سریال «دادستان» در دانشگاه امام صادق(ع)، شهید باقری به او اطلاع داده بود که رهبر شهید با اطلاع از این جلسه، انگشت شخصی خود را برای او فرستاده‌اند. دهنمکی افزود: نگین این انگشت که عبارت «عزت‌لله» بر آن نقش بسته بود، برای او پیام روشنی داشت؛ اینکه عزت حقیقی از جانب خداوند است، حتی در شرایطی که یک اثر فرهنگی با همه‌های فراوان روبه‌رو می‌شود.

این نویسنده و کارگردان همچنین با اشاره به شیوه نقد رهبر شهید نسبت به آثار فرهنگی و هنری گفت: ایشان همواره برای مخاطب اهمیت ویژه‌ای قائل بودند و از استقلال مردم از آثار فرهنگی ابراز خرسندی می‌کردند. در عین حال، اگر نقدی نیز داشتند، آن را با آراش، احترام و گفت‌وگوی مستقیم مطرح می‌کردند.

دهنمکی ادامه داد: رهبر شهید پس از بیان نقدهای خود، با روی خوش و محبت با هنرمند بر خور می‌کردند تا نشان دهند نقد باید همراه با احترام باشد و مخاطب در برابر آن موضع نگیرد. به گفته وی، این شیوه بر خور، درسی عملی درباره آداب نقد و گفت‌وگو بود.

وی در پایان با تأکید بر دقت رهبر شهید در توجه به جزئیات آثار فرهنگی اظهار کرد: ایشان همواره با حوصله توضیحات صاحبان آثار را می‌شنیدند و اگر گزارشی ناقص یا یک‌سویه درباره اثری به ایشان ارائه شده بود، پس از شنیدن توضیحات از زاویه‌ای تازه به موضوع نگاه می‌کردند؛ رویکردی که نشان‌دهنده انصاف، سعه‌صدر و دقت نظر ایشان در مواجهه با مسائل فرهنگی بود.

واکنش علی قمصری به وطن‌پرستی گزینشی سلبریتی‌ها

اکنون موقعیت «ایران» را درک کنید

می‌کردند، اما اکنون با تغییر شرایط از او می‌خواهند برای حمایت از مردم جنوب اقدام کنند.
قمصری این رویکرد را «تناقض‌آمیز» دانست و پرسید که آیا تخریب زیرساخت‌های حیاتی کشور از نگاه این افراد اقدامی درست است یا خیر.

او همچنین در پاسخ به کسانی که از او می‌خواهند به مسئولان انتقاد کنند، تأکید کرد که سال‌های زیادی از جوانی خود را صرف انتقاد از مسئولان کرده و به همین دلیل نیز با ممنوعیت‌های چندساله مواجه بوده، اما به اعتقاد او اکنون زمان «درک موقعیت ایران، این خاک و مردمش» است.

او در بخش دیگری از یادداشت خود تصریح کرده که حضورش در نیروگاه دماوند کاملاً داوطلبانه و صرفاً برای مردم ایران بوده و هیچ انگیزه‌ای جز عشق به مردم کشورش، او را به این اقدام ترغیب نکرده است.

قمصری در پایان نیز با اعلام همدلی با مردم جنوب کشور و حمایت به هر آنچه در توان داشته باشد برای آنان انجام خواهد داد و تأکید کرد: «من در تار ایرانی، آفتاب‌سوخته جنوب و عرق‌ریخته حمام‌گله‌داری بندر بوده‌ام، مگر می‌توانم دل سوخته امروز جنوب نباشم؟»



قمصری، نوازنده و آهنگساز با انتشار یادداشتی از «وطن‌پرستی گزینشی» برخی جریان‌ها انتقاد کرد و نوشت که حمایت از مردم ایران برای او، یک اصل ثابت است، علی قمصری با انتشار متنی در صفحه شخصی خود، به انتقادهایی که درباره حضورش در نیروگاه برق دماوند و همچنین مطالبه برخی کاربران برای حضور او در جنوب کشور مطرح شده، پاسخ داد.

این نوازنده با اشاره به واکنش‌های گذشته نسبت به حضورش در نیروگاه دماوند نوشت که در آن مقطع، برخی از منتقدان از حمله به زیرساخت‌های ایران حمایت و حتی از آن استقبال